



دانشگاه علامه طباطبائی

دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی

پایان نامه کارشناسی ارشد

بدیع معنوی در دیوان ناصر خسرو

استاد راهنما

دکتر محمدحسن حائری

استاد مشاور

دکتر غلامرضا مستعلی پارسا

محمد محمودی

شهریور ۱۳۸۸

فرم گردآوری اطلاعات پایان نامه‌ها
کتابخانه مرکزی دانشگاه علامه طباطبائی

عنوان: بدیع معنوی در دیوان ناصر خسرو		
نویسنده / محقق: محمد محمودی		
مترجم: —		
استاد راهنما: محمد حسن حائری	استاد مشاور: غلامرضا مستعلی پارسا	
کتاب‌نامه: دارد	واژه‌نامه: ندارد	
نوع پایان‌نامه: بنیادی <input checked="" type="checkbox"/>	توسعه‌ای <input type="checkbox"/> کاربردی <input type="checkbox"/>	
مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد	سال تحصیلی: ۸۸ - ۸۷	
محل تحصیل: تهران	نام دانشگاه: علامه طباطبائی	دانشکده: ادبیات و زبان‌های خارجی
تعداد صفحات: ۱۴۴	گروه آموزشی: زبان و ادبیات فارسی	
کلیدواژه‌ها به زبان فارسی: ناصر خسرو، علوم بلاغی، بدیع، بدیع معنوی، زیباشناسی.		
کلیدواژه‌ها به زبان انگلیسی: Naser Khosro, , rhetoric, figures of speech, aesthetics		

چکیده

الف. موضوع و طرح مسأله (اهمیت موضوع و هدف):
در بررسی شخصیت ناصر خسرو، به جنبه‌های شاعری او چندان توجهی نشده است. این مسأله ناشی از آن است که در اشعار وی اندیشه و تعقل چنان جلوه‌ای دارد که خواننده در وهله نخست به ظرافت‌های شاعرانه کار وی پی نمی‌برد. توجه به جنبه‌های زیباشناختی شعر ناصر خسرو انگیزه اصلی نگارش این پایان‌نامه بوده است.

ب. مبانی نظری شامل مرور مختصری از منابع، چارچوب نظری و پرسش‌ها و فرضیه‌ها:
با توجه به جایگاه ناصر خسرو در ادب فارسی، شایسته است که جنبه‌های زیباشناختی شعر او بررسی شود؛ اینکه جایگاه بدیع در اشعار او کجاست؟ شیوه استفاده او از صناعات معنوی چگونه است؟ بیشترین و کمترین آرایه به کار رفته در شعر او کدام است و دلیل توجه یا عدم توجه ناصر خسرو به برخی آرایه‌ها چیست؟ محور اصلی کار در این پایان‌نامه پاسخ دادن به این پرسش‌هاست.

پ. روش تحقیق شامل تعریف مفاهیم، روش تحقیق، جامعه مورد تحقیق، نتیجه‌گیری و روش‌های نمونه‌گیری، ابزار اندازه‌گیری، نحوه اجرای آن، شیوه گردآوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها:
ابتدا کتب بدیعی قدیم و جدید به دقت مطالعه شد. سپس آرایه‌های به کار رفته در قصاید ناصر خسرو استخراج و پس از تعاریف و توضیحات آرایه‌ها و ذکر نمونه‌های برجسته از هر کدام، جدول‌های مربوط به بسامد آماری هر آرایه تنظیم شد. در بررسی آرایه‌ها تنها به تعریف و توضیح آنها بسنده نشده است؛ بلکه به کارکرد زیباشناختی آنها و شیوه استفاده ناصر خسرو از آرایه‌ها و دلیل کاربرد کم یا زیادشان در اشعار وی نیز پرداخته شده است. جدول‌های آماری هر آرایه با ذکر شماره قصیده و بیت تنظیم شده است و نشان‌دهنده بسامد کاربرد آن آرایه در قصاید ناصر خسرو است.

ت. یافته‌های تحقیق:

ناصر خسرو از پنجاه و یک آرایه معنوی در دیوان خود استفاده کرده است که پرکاربردترین آن‌ها تلمیح با ۴۸۵ مورد، و کم‌کاربردترین آن‌ها ذم شبیه به مدح و امر بدیعی با یک مورد می‌باشد. علاوه بر آرایه تلمیح، آرایه‌هایی نظیر تضاد (به دلیل کارکرد روشنگرانه آن)، التفات (به دلیل خطابه‌دار بودن شعر وی)، حرف‌گرایی (به دلیل تأثیر تعلیمات اسماعیلیه) و ... کاربرد زیادی در اشعار وی دارد. در مقابل، آرایه ایهام و زیرمجموعه‌های آن کاربرد کمتری دارد. نوعی از آرایه تضاد در اشعار او وجود دارد که ما آن را «تضاد صدر و عجز» نامیده‌ایم؛ هم‌چنین در مورد آرایه ارداد و تسهیم نیز این‌گونه است. این مسأله توجه خاص ناصر خسرو به آرایه‌های لفظی را نشان می‌دهد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات:

در دیوان ناصر خسرو نمونه‌های زیبایی از آرایه‌های بدیعی وجود دارد و این خود نشان‌دهنده توجه ناصر خسرو به

امر شاعری و صناعات ادبی است؛ هر چند که ماهیت سخنش به گونه‌ای است که فرصت صنعت پردازی به شاعر نمی‌دهد. به‌طور کلی ساحت‌های دوگانه شخصیت ناصر خسرو در توجه او به شاعری و صنعت پردازی کاملاً مشهود است. او هنگامی که در ساحت شاعرانه شخصیت خود می‌زید همانند شاعران دیگر با روحیه‌ای حساس به طبیعت و آسمان و شب و ... می‌نگرد و توصیف می‌کند و در مقابل هنگامی که در ساحت فلسفی و مبلغانه شخصیت خویش است، کاربرد صناعات شاعرانه در اشعار او بسیار کم است.

صحت اطلاعات مندرج در این فرم بر اساس محتوای پایان‌نامه و ضوابط مندرج در فرم را گواهی می‌نمایم.

نام استاد راهنما:

سمت علمی:

نام دانشکده:

رئیس کتابخانه:

چکیده

این پایان‌نامه شامل بررسی جنبه‌های معنوی صناعات ادبی در دیوان ناصرخسرو است. هدف از این پژوهش، پرداختن به گوشه‌ای از وجوه زیباشناختی اشعار ناصرخسرو است که در پرتو شخصیت سیاسی و مذهبی‌اش، بدان توجه نشده است.

در این پایان‌نامه، ابتدا مقدمه‌ای کوتاه درباره‌ی ناصرخسرو آمده؛ که شامل بررسی شخصیت او و تلقی‌اش از هنر شاعری و جایگاه وی در ادبیات فارسی است. سپس به بررسی آرایه‌های به‌کاررفته در دیوان او پرداخته شده است. در این بخش پس از تعاریف و توضیحات مربوط به آرایه‌ها و ذکر نمونه‌های برجسته از هر آرایه، جدول‌هایی که نشان‌دهنده‌ی بسامد آماری آنهاست آمده است. ناصرخسرو در دیوان خود از پنجاه و یک آرایه‌ی معنوی بهره برده است؛ که پرکاربردترین آنها، آرایه‌ی تلمیح با ۴۸۵ مورد و کم‌کاربردترین آنها، ذمّ شبيه به مدح و امر بدیهی با یک مورد است.

نگارنده ضمن تعریف و توضیح آرایه‌ها، به کاربردهای زیباشناختی آنها نیز پرداخته؛ و توجه یا عدم توجه ناصرخسرو به برخی آرایه‌ها را به همراه دلایل آن توضیح داده است. برای نمونه، آرایه‌هایی مانند تضاد و مقابله – و التفات – به دلیل خطابه‌وار بودن شعر ناصر – کاربرد بیشتری دارند و در مقابل آرایه‌ی ایهام و زیرمجموعه‌ی آن کاربرد کمتری دارد.

کلیدواژه‌ها: ناصرخسرو، علوم بلاغی، بدیع، بدیع معنوی، زیباشناسی.

فهرست مطالب

پیشگفتار ۸

فرم و محتوا در ادبیات ۸ / آیا هنر رسالتی دارد یا نه؟ ۸ / ناصر خسرو و رسالت هنر ۹ / محور عمودی خیال در شعر ناصر ۹ / فکر و شعر و زندگی او به هم پیوسته است ۱۰ / عنصر عاطفه در شعر او ۱۱ / پیوند میان شعر و استدلال ۱۱ / خصوصیات ممتاز ناصر خسرو در ادبیات فارسی ۱۲ / شخصیت دوگانه ناصر خسرو ۱۲ / طرح اشاره ای کوتاه به تعریف بدیع ۱۶ / شیوه کار ۱۷ / سپاس و ثنا ۱۸ / مسأله و انگیزه پژوهش ۱۴ /

تلمیح ۱۹

تلمیح به آیات و احادیث در شعر ناصر خسرو ۱۹ /

تضاد ۲۳

ماهیت روشنگرانه تضاد ۲۳ / اهمیت آرایه تضاد در شعر ناصر خسرو ۲۳ / نوعی از تضاد صدر و عجز ۲۴ /

مقابله ۲۶

زیبایی آرایه مقابله ۲۶ /

استدلال ۲۸

استدلال در شعر باید جنبه هنری داشته باشد ۲۸ / روش‌های چهارگانه استدلال ۲۸ /

مذهب فقهی ۳۰

مذهب کلامی ۳۲

حسن تعلیل ۳۴

پنداری بودن پیوند در حسن تعلیل ۳۴ /

التفات، وانگری ۳۶

تغییر عادت ذهن مخاطب و آشنایی زدایی التفات ۳۶ / خطابه‌وار بودن شعر ناصر خسرو و کاربرد التفات ۳۶ /

سیاقه الاعداد، اعداد، نام شمار ۳۹.....

تفاوت جمع با اعداد ۳۹ /

لف و نشر، پیچش و گسترش ۴۱.....

زیبایی لَف و نشر ۴۱ /

تنسيق الصفات ۴۴.....

تفاوت تنسيق الصفات با اعداد ۴۴ / «پی آوری»؛ نامی فراگیرتر ۴۴ /

مراعات النظير، تناسب ۴۶.....

تفاوت تناسب در زبان عادی و زبان ادبی ۴۶ /

اغراق ۴۸.....

بزرگ‌نمایی؛ ویژگی زبان هنر ۴۸ / تفاوت اغراق با دروغ ۴۸ / تقسیم‌بندی اغراق کارکرد زیباشناختی ندارد ۴۸

تجريد ۵۰.....

عامل صمیمیت کلام ۵۰ /

ارصاد و تسهيم ۵۲.....

ارصاد و تسهيم خالی از زیبایی و التذاذ نیست ۵۲ / نوع خاصی از ارصاد و تسهيم ۵۲ /

جمع ۵۴.....

تفریق ۵۶.....

تقسيم ۵۸.....

جمع و تقسيم ۶۰.....

جمع و تفریق ۶۱.....

جمع و تفریق و تقسيم ۶۳.....

ایهام ۶۴.....

معنای دور و نزدیک در ایهام ۶۴ / دلیل کاربرد کم ایهام در شعر ناصر خسرو ۶۴ /

۶۶..... ایهام تناسب

ایهام تناسب نیم‌واژه ۶۶ /

۶۸..... ایهام تضاد

۷۰..... ایهام تبادر

۷۲..... شبه ایهام، ایهام خوانش

۷۴..... ایهام ترجمه

۷۵..... حشو ملیح

عامل تقویت جنبه عاطفی کلام ۷۵ /

۷۷..... متناقض‌نما، پارادوکس

زیبایی متناقض‌نما ۷۷ / این اصطلاح در بدیع قدیم وجود ندارد ۷۷ /

۷۹..... طباق سلب

۸۱..... رجوع

تردید ذهنی خواننده، بزرگ‌نمایی در توصیف ۸۱ / تفاوت رجوع با تفریق و جمع و تفریق ۸۱ /

۸۳..... تفویف

۸۵..... متتابع، پی‌سپار

به‌وجود آورنده ضرب‌آهنگ کلام ۸۵ /

۸۷..... حرف‌گرایی

توجه خاص ناصر خسرو به حرف‌گرایی ۸۷ /

۸۸..... مزاجت

۸۹..... لغز، چیستان

تفاوت لغز با معما ۸۹ / توجه قدما به این نوع ادبی ۸۹ /

۹۵..... حسن مطلع

کارکرد حسن مطلع ۹۵ / آغاز و پایان قصاید ناصر خسرو یکسان نیست ۹۵ /

۹۷..... قلب مطلب

۹۹..... اقتباس

شرط اقتباس ۹۹ /

۱۰۱..... ترجمه

۱۰۳..... استخدام

۱۰۵..... حسن آمیزی

اغتشاش در محور هم‌نشینی زبان ۱۰۵ /

۱۰۷..... مشاکله

۱۰۸..... استثنای منقطع

۱۰۹..... تجاهل

بزرگ‌نمایی حاصل از ایجاد ابهام و تردید ۱۰۹ /

۱۱۰..... مدح تشبیه به ذم

۱۱۱..... ذم تشبیه به مدح

۱۱۲..... تضمین

گونه‌های تضمین ۱۱۲ / نوعی دیگر از این آرایه ۱۱۲ /

۱۱۴..... پرسش و پاسخ، گفت و گو

۱۱۵..... اسلوب حکیم

۱۱۶..... امر بدیهی

جدول آماری آرایه‌ها.....۱۱۷

نتیجه گیری و اشاره به برخی یافته ها ۱۴۰

فهرست منابع ۱۴۳



دانشگاه علامه طباطبائی

«سخن حکمتی و خوب چنین باید

صعب و بایسته و دریافته چون آهن»

پیشگفتار

در تعریف ادبیات، غالباً «چگونه گفتن» را بر «چه گفتن» برتری داده اند. بحث شکل (فرم) و محتوا، موضوع تازه‌ای نیست؛ از دیرباز گروهی به اصالت شکل اعتقاد داشته اند و گروهی به اصالت محتوا. دیدگاه نخست به اندیشه‌های ارسطو باز می‌گردد و دیدگاه دوم به اندیشه‌های افلاطون.

هر چند که به حق باید پذیرفت بخش اعظمی از ادبیات، «چگونه گفتن» است؛ چنان که حتی مضامین نازل را نیز می‌توان در شکل و فرمی زیبا و دلنشین بیان کرد و به آن‌ها تعالی بخشید. در مقابل، اگر فرم و شکل اثر زیبا نباشد، متعالی‌ترین و زیباترین مضامین نیز چندان جلوه‌ای نخواهند داشت و از تأثیرگذاری آن‌ها کاسته خواهد شد. اثر ادبی در فرم تجلی پیدا می‌کند و گاه حتی این فرم و شکل است که محتوا را می‌سازد.

بحث ما در این جا بررسی شکل و محتوا نیست؛ در طول تاریخ هنرمندانی بوده‌اند که با گرایش و توجه به اصالت محتوا، از هنر خویش در راه آرمانی خاص بهره جسته‌اند و رسالتی برای هنر خود قائل شده‌اند؛ این مسأله به معنای بی‌توجهی به مقولات زیباشناختی نیست. این که آیا هنر رسالتی دارد یا نه، بحثی دراز دامن است. پاسخ مقطعی به این پرسش این است که هنر ذاتاً رسالتی ندارد و نمی‌توان رسالتی بر آن تحمیل کرد و این هنرمند است که می‌تواند برای خود رسالتی قائل باشد یا نباشد.

در طول تاریخ ادبیات فارسی، برجسته ترین شاعری که هنر خود را در مسیر آرمان خویش قرار داده، بی شک ناصر خسرو قبادیانی است. «او شعر و هنر را وسیله‌ای تلقی کرده‌است برای بیان حکمت و موعظه. در این مورد طرز فکرش به افلاطون شباهت دارد. وی هر چند سخن را از حیث علو و عظمت بر هر چیز دیگر این دنیا ترجیح می‌دهد و آن را سبب شفای انسان از درد فرومایگی و موجب نیل به سعادت ابدی می‌شمارد، تأکید می‌کند که موهبت سخن را به انسان برای هجو و دروغ نداده اند.»^۱

ناصر خسرو به اصالت هنر (شعر) اعتقادی ندارد. او نه تنها که با مدیحه‌سرایی سخت می‌ستیزد و هیچ‌گاه حاضر نیست «قیمتی در لفظ دَری را در پای خوکان بریزد»؛ بلکه به نکوهش شاعرانی می‌پردازد که خود را مشغول توصیف بهار و گل و بلبل و ... می‌کنند. او برای سخن ارزشی بسیار قائل است و «دوش به دوش خرد، به ستایش سخن می‌پردازد. این دو از هم جدایی ناپذیرند؛ زیرا یکی شکل دهنده و بیان کننده دیگری است. اعتقادی که ناصر به سخن دارد، گذشته از چاشنی یونانی، از تأثیر اسلام برخوردار است... ناصر خسرو این امید و کوشش را دارد که از طریق کلام بتواند دل‌های مردم را آگاه کند و به راه بیاورد. از این رو شعر برای او سبب است نه غایت؛ و باز به همین علت، موضوع شعر او با شعر دیگران فرق دارد.»^۲

شعر او از دیدگاه صور خیال نیز با شعر دیگران متفاوت است؛ «برجسته ترین تفاوت شعر او با شعر دیگران، از نظر عنصر خیال در دو جهت یعنی در محور عمودی خیال است. در محور عمودی خیال، قصاید ناصر خسرو در سراسر این دوره، و بالطبع در تمام ادوار شعر فارسی، قویترین محور خیال به شمار می‌رود؛ زیرا رشته تداعی و تسلسل عاطفه و اندیشه و خیال در شعر او چندان قوی است که در هر قصیده او یک خطابه بلند، با همه اوج‌ها و سرعت‌ها و

^۱ - محقق، مهدی. شرح سی قصیده ناصر خسرو، ص ۸.

^۲ - یادنامه ناصر خسرو، ص ۴۰.

درنگ‌ها، که در یک خطبهٔ بلیغ و استادانه وجود دارد، مشاهده می‌شود و این پیوستگی و ارتباط عاطفی و ذهنی که در طول قصاید او - یعنی محور عمودی خیالش - دیده می‌شود، در شعر دیگران وجود ندارد. او از یک نقطه خیالی، از یک دیدار طبیعت یا یک تجربه شعری آغاز می‌کند و در مسیر این دیدار یا این تجربه، خود را به یک رشته تداعی‌های شاعرانه و گاه اندیشمندانه، همراه با تأثرات عاطفی و حسی بسیار صمیمانه می‌سپارد و همراه حس و تجربه و عواطف خویش بر مرکب خیال سفر می‌کند و در قصاید او به دشواری می‌توان پربشانی مضمون و از هم‌گسستگی محور عمودی خیال را نشان داد.^۱

«ناصر خسرو در زبان فارسی نخستین گوینده‌ای است که شعر را در خدمت فکر اخلاقی نهاده‌است. پس از او دو شاعر بزرگ می‌شناسیم که گرایش به فکر داشته‌اند: یکی رودکی و دیگری فردوسی. ولی تفاوت ناصر با آن دو در آن است که شعر در نظر او مرکوب اندیشه است، و جدا از آن به خودی خود ارزشی ندارد. اگر وقت خود را بر سر وزن و قافیه می‌گذارد، بدان منظور است که از طریق زیبایی و موزونیت سخن به مدینهٔ فاضله افلاطونی خویش که نزهتگاه روح است و تنها مکانی است که به سیر و توقف می‌ارزد، راه می‌یابد.»^۲

«ناصر خسرو به واقع شاعری یگانه است، هم از لحاظ طرز فکر و هم از نظر شیوه شاعری. حتی می‌توان گفت او همان‌طور که می‌اندیشیده، شعر گفته و همان‌گونه نیز زندگی و رفتار کرده‌است. به عبارت دیگر فکر و شعر و زندگی ناصر خسرو به هم پیوسته و همانند است، کرداری داشته‌است مطابق اعتقاد خویش و شعری نمودار هر دو. نکته ظریف و درخور دقت، تأثیر این زمینه ذهنی است در شیوه شعر او؛ یعنی می‌توان گفت شعر ناصر خسرو از نظر محتوا و

^۱ - شفیعی کدکنی، محمدرضا. صور خیال در شعر فارسی، ص ۵۵۲.

^۲ - یادنامه ناصر خسرو، ص ۳۱.

صورت، واژگان و آهنگ و اوج و فرود و شتاب و درنگ، همان ساخت اندیشه اوست در قالب وزن و کلمات.^۱

دگرگونی روحی ناصر خسرو بر شیوه شاعری او تأثیر بسیاری گذاشته است. او تا سن چهل و دو سالگی به دبیری و کارهای دیوانی اشتغال داشته و در عین کسب انواع فضائل، در خدمت امرا به لهو لعب و کسب مال و جاه گذرانده اما در پی تحول درونی - که در مقدمه سفرنامه خود بدان اشاره کرده - در جستجوی معرفت حقیقی عازم مکه شد. مدت هفت سال به سیر و سیاحت در بلاد اسلامی گذراند و در هر شهر با علما و اهل فضل و اندیشه‌وران در زمینه‌های گوناگون بحث و گفت‌وگو کرد اما پاسخ سؤالات خود را در نیافت و روح تشنه اش سیراب نگردید؛ تا این که در مصر به مذهب اسماعیلیه گروید و تعلیمات آنان روح جستجوگر او را آرامش و سکون بخشید.

«شعر ناصر خسرو هم از لحاظ درون مایه و مضمون، پرخاش آمیز و مقاوم و تسلیم ناپذیر است، هم از لحاظ لفظ و آهنگ؛ به پاره‌های آهن سرخ شده‌ای می ماند که از زیر ضربات پتک آهنگری زورمند بر سندان می جهد، شراره است و شرر افکن. و این همه انعکاسی است از روح آزاده و نستوه ناصر خسرو.»^۲

عنصر عاطفه و احساس در شعر او برجسته است. قدرت شاعری و زیبایی سخن او، بیشتر در جایی نمود پیدا می کند که به حسب حال و شرح دلتنگی‌های خود می پردازد. همین عنصر عاطفه و صفای ضمیر و احساس است که باعث می شود اشعار او با این که بیشتر آمیخته با حکمت و اندرز است، ملال آور نباشد. در شعر او «من» اجتماعی بسیار قوی و بارز است. او به

^۱ - یوسفی، غلامحسین، چشمه روشن، ص ۷۶.

^۲ - همان، ص ۷۷.

عنوان یک فیلسوف و مبلغ دینی، خود را مصلح اجتماعی می داند و دردمندانه به دنبال رهایی مردم است.

زیربنای اندیشه و عقیده ناصر خسرو، خرد و دانش است و از آن جا که یک فیلسوف است سخنش را بر مبنای علم و استدلال می گوید. «پیوند بین شعر (تخیل) و استدلال، هنری است که ناصر خسرو به خرج داده و با آنکه برخی اشعار وی حکمت محض است لطیفه جادویی شعر، مقولات او را دلپذیر می کند و شاید به همین سبب نیز شعر را وسیله بیان مقاصد خود قرار داده است. شعر ناصر خسرو چه در طرح اعتقادات و آراء فلسفی، چه در ردّ و نقد مخالفان و دشنام به آنان، چه در حسب حالها و شکایتها، همیشه سخنی است از دل برآمده و به همین سبب پر تأثیر. به دلیل همه آن چه که گفته شد وی از جهات گوناگون شاعری است فرید و ممتاز و بی نظیر؛ چندان که خواننده سخن شناس می تواند شعر او را از اشعار دیگران کاملاً تشخیص دهد.»^۱

«ناصر خسرو گشاینده راه تازه ای در شعر فارسی است و تقریباً تقلید ناپذیر مانده است. به طور خلاصه می توان گفت که به تنهایی واجد چند خصوصیت ممتاز است که در ادبیات و فکر ایران، مقام والایی به او می بخشد:

یکی آن که ندای وجدان قرن خود است که عصر برخورد دو نیروی ترک و دهقان در تمدن ایران به شمار می رود، و نهیب او رساترین صدایی است که در این قرن بلند شده است. دوم آن که پیشتاز و چاووش شعر علمی - عرفانی - اخلاقی است، و جامعیتی دارد که می شود نشانه هایی از او در نزد اشخاص مختلف المشربی چون سنایی و خیام و سعدی یافت.

سوم آن که شجاع ترین و صریح ترین نماینده فکر معترض در ادبیات فارسی است.

چهارم آن که انسان بزرگ و نمونه‌ای است که به نحوی وسواس‌آمیز کردار را با گفتار همراه کرده، و یکی از پایه‌گذاران پیکار بی‌امانی به حساب می‌آید که ادبیات هزارساله ایران لاینقطع در آن درگیر بوده‌است، و آن نبرد با تدلیس و تزویر و نیرنگ است.^۱

ناصر خسرو شخصیتی دوگانه داشته است زیرا آثار و اشعار او حکایت از دو طرز فکر و سلیقه متضاد دارد. زندگی او دو وجهه داشته است؛ از روی آثار و اشعار موجود ناصر خسرو می‌توان دریافت که این دو ناصر خسرو به کلی با هم فرق داشته‌اند و یا به عبارت دیگر اشعار و آثار ادبی ناصر خسرو را می‌توان به دو دسته جداگانه تقسیم کرد: آزاد و مقید.

تجلیات شخصیت آزاده و هنری ناصر خسرو به خوبی در مقداری از اشعار دیوان او دیده می‌شود. از جمله زیبایی‌های طبیعت را به خوبی وصف کرده‌است ... غیر از وصف طبیعت مسائل آزاد و انسانی هم در شعر ناصر خسرو دیده می‌شود؛ مانند حس میهن پرستی و به اصطلاح امروز ناسیونالیسم و خودساختگی و داد و مردمی و بی‌اعتباری مقیاس‌های ارزشی زمان. ولی در قبال این شخصیت که شاعر، دلی مثل برکه آب حساس دارد، از یک نسیم لطیف به لرزش در می‌آید؛ شخصیت دیگری هم هست، و آن مردی است متعصب و عنود که در استخدام سازمان بزرگی است و در قبال وظیفه تبلیغاتی که برعهده دارد از طرف آن سازمان حمایت می‌شود و شاید مستمری هم می‌گیرد. در این جا آن شاعر آزاده و زودرنج که از دیدن بی‌عدالتی‌ها و نادانی‌ها و عوام فریبی‌ها ناراحت می‌شد همین ناصر خسرو دوم است که خلیفه فاطمی را «امام زمان» و خود را «حجت» می‌خواند و برای ادای رسالت و انجام مأموریت به شهرهای دوردست سفر می‌کند.^۲

^۱ - یادنامه ناصر خسرو، ص ۵۰.

^۲ - همان، ص ۱۲۵.

طرح مسأله و انگیزه پژوهش

ناصر خسرو؛ حکیم و مبلغ یا شاعر؟

در بررسی شخصیت ناصر خسرو، به جنبه‌های شاعری او چندان توجهی نشده است. به غیر از عده‌ای خواص و اهل فن، به وجوه شاعرانه آثار وی اقبالی نشان نمی‌دهند. این مسأله ناشی از آن است که در اشعار وی اندیشه و تعقل چنان جلوه‌ای دارد که خواننده در وهله نخست به ظرافت‌های شاعرانه کار وی پی نمی‌برد. البته ناصر خسرو چنان که خود نیز اذعان دارد، چندان به شاعری بها نمی‌دهد و شعر خویش را در خدمت آرمانش قرار داده است.

شعر او آینه تمام نمای جهان بینی اوست. او یک فیلسوف و حکیم است و مبلغ یک مذهب. حکمت و فلسفه چندان سازگاری با شعر به معنای اخص آن - که خیال ورزی و عاطفه از ارکان اساسی آن است - ندارد؛ از این رو شعر او رنگی فلسفی و حکمی و استدلالی دارد. از سوی دیگر او از شعر خود برای اشاعه مذهب و آرمان خود سود می‌جوید و بار تبلیغی بر سخن خود نهاده است و رنگ و بوی خطابه دارد.

ناصر خسرو به اصالت هنر (شعر) معتقد نیست، هنر برای هنر از دید او کار بیهوده‌گویان و خامان است. اما با تمام این اوصاف، او علی‌رغم اظهار بی‌اعتنایی به عوالم شاعرانه، ناخودآگاه می‌کوشد که در میدان سخنوری نیز گوی سبقت از همگان برآید. او بارها در دیوانش خود را به شاعری ستوده است و این تناقض در سخن او به جنبه‌های دوگانه شخصیت فلسفی - شاعرانه‌ی او باز می‌گردد. ناصر خسرو دائماً در میان این دو ساحت شخصیتی در تردّد و تردید است، هر چند که بیشتر مواقع جنبه‌های فلسفی و دینی بر ساحت شاعری او چیره است. «او ظاهراً گاهی دلش برای قصیده‌پردازی به اسلوب عمومی شاعران که در آغاز قصاید خود تشبیب می‌آوردند تنگ می‌شود. او خود در دوران اولیه عمر خود اهل تشبیب و وصف معشوق بود. شیوه

او این است که این‌گونه مطالب را از زبان دیگران بیان می‌کند و سپس مورد نکوهش قرار دهد. او فی‌الواقع به اندک بهانه‌ای به اصل شاعرانه خود باز می‌گردد.^۱

باید دانست که ناصر خسرو پیش از آن که یک متکلم و مبلّغ مذهبی باشد، یک شاعر است و به شکل خودآگاه و ناخودآگاه - حتی اگر خود نیز انکار کند - به صناعات شعری گرایش دارد. توجه به جنبه‌های زیباشناختی شعر ناصر خسرو انگیزه اصلی نگارش این پایان‌نامه بوده است. هر چند که آرایه‌های بدیعی در این دوره چندان پیشرفت نکرده است اما نمونه‌های بسیار زیبایی از آرایه‌ها در اشعار او یافت می‌شود.

موضوع پژوهش، «بررسی بدیع معنوی در دیوان ناصر خسرو» انتخاب شد^۲ تا علاوه بر مطالعه دقیق دیوان ناصر خسرو و صناعات بدیعی، جنبه‌هایی از وجوه زیباشناختی شعر وی - در حد وسع و توان - ارائه گردد.

دانشگاه علامه طباطبائی

^۱ - شمیسا، سیروس . سبک‌شناسی شعر ص ۶۳

^۲ - بدیع لفظی در دیوان ناصر خسرو پیش از این تحت عنوان پایان‌نامه کارشناسی ارشد بررسی شده است. رک قاسم بیکی، حسین. صنایع لفظی در اشعار ناصر خسرو. پایان‌نامه (کارشناسی ارشد) دانشگاه بهشتی ۱۳۷۷.

اشاره‌ای کوتاه به تعریف بدیع:

بدیع: «مجموعه شگردهایی (یا بحث از فنونی) است که کلام عادی را کم و بیش تبدیل به کلام ادبی می‌کند و یا کلام ادبی را به سطح والاتری (از ادبی بودن یا سبک ادبی داشتن) تعالی می‌بخشد.»^۱

ترفندهای بدیعی بر دو قسم است: لفظی و معنوی.

بدیع لفظی: «آن است که زینت و زیبایی کلام وابسته به الفاظ باشد چنان که اگر الفاظ را با حفظ معنی تغییر دهیم، آن حسن زایل گردد»^۲ «در بدیع لفظی هدف این است که متوجه شویم گاهی انسجام کلام ادبی بر اثر روابط متعدد آوایی و موسیقایی در بین کلمات است. یعنی آن رشته نامرئی که کلمات را به هم گره می‌زند و بافت ادبی را به جود می‌آورد، ماهیت آوایی و موسیقایی دارد.»^۳

بدیع معنوی: «آن است که حسن و تزئین کلام مربوط به معنا باشد نه به لفظ، چنان که اگر الفاظ را با حفظ معنی تغییر دهیم، باز آن حسن باقی بماند.»^۴ «صنایع معنوی مستقیماً مربوط به معنی است و اگر بهره‌ای از حسن و زیبایی ادبی عاید الفاظ نیز بشود، تابع معنا است»^۵ «بدیع معنوی بحث در شگردهایی است که موسیقی معنوی کلام را افزون می‌کنند و آن بر اثر ایجاد تناسبات و روابط معنایی خاصی بین کلمات است و به‌طور کلی یکی از وجوه تناسب و ربط معنایی بین دو یا چند کلمه برجسته می‌شود.»^۶

^۱ - شمیسا، سیروس. نگاهی تازه به بدیع ص ۱۱.

^۲ - همایی، جلال‌الدین. فنون بلاغت و صناعات ادبی ص ۳۷.

^۳ - شمیسا، سیروس. نگاهی تازه به بدیع ص ۲۳.

^۴ - همایی، جلال‌الدین. فنون بلاغت و صناعات ادبی ص ۳۸.

^۵ - همان، ص ۲۲۵.

^۶ - شمیسا، سیروس. نگاهی تازه به بدیع ص ۲۵.

شیوه کار:

روش کار بدین گونه بوده است که در ابتدا کتاب‌های معتبر «بدیع» و سپس دیوان ناصر خسرو به دقت مطالعه گردید و با توجه به اطلاعات بدیعی کسب شده، آرایه‌های موجود در ابیات و توضیحات مربوط به آنها یادداشت شد. در اثنای خوانش اشعار، آرایه‌های بدیعی به‌طور مکرر مرور گردید. از آن جا که برخی آرایه‌های مهم، کاربرد کمی در دیوان ناصر خسرو دارد برای یافتن نمونه‌های آن‌ها، گاه کل دیوان باید دوباره بررسی می‌شد و اشعار با دقت بیشتری مطالعه می‌گردید. باری، پس از مطالعه کامل دیوان و استخراج آرایه‌ها، به تحریر متن اصلی پرداخته شد که شامل تعریف و توضیح آرایه‌ها و بررسی کاربرد آن‌ها در دیوان ناصر خسرو به همراه ذکر مثال‌هایی برای آن آرایه و توضیحات مربوط به مثال‌ها است.

در نگارش متن اصلی تلاش بر این بوده که تنها به تعریف آرایه‌ها بسنده نشود و به کاربردها و وجوه زیباشناختی آن‌ها نیز در حدّ توان اشاره گردد و نظر نگارنده نیز - هرچند کوتاه - ذکر شود.

ترتیب آرایه‌ها از بیشتر به کمتر است، به غیر از آرایه‌هایی که زیر مجموعه یک مبحث هستند و تعاریف آن‌ها وابسته به یکدیگر است.

در پایان کار تعریف و توضیح آرایه‌ها، جدول‌هایی جداگانه برای هر کدام از آرایه‌ها تنظیم شده است که در هر جدول شماره قصیده و شماره بیت آورده شده و بسامد کاربرد آرایه‌ها را نشان می‌دهد.

لازم به یادآوری است که در بررسی ابیات، مبنای «دیوان ناصر خسرو، تصحیح مینوی - محقق» قرار داده‌ام.